فهرست

[خلاصه جلسه قبل 2](#_Toc401349544)

[فرق مقدمه تولیدیه با مقدمه موصله 2](#_Toc401349545)

[نکات بحث 2](#_Toc401349546)

[نکته اول 2](#_Toc401349547)

[اشکال مرحوم امام به مشهور و مرحوم نائینی 3](#_Toc401349548)

[آخرین مرحله فعل اختیاری از دیدگاه مرحوم امام 3](#_Toc401349549)

[تحقیق در مسئله 4](#_Toc401349550)

# خلاصه جلسه قبل

در مباحث قبل، مرحوم نائینی مقدمه حرام را به سه قسم تقسیم کردند و فرمودند: اگر مقدمه تولیدی باشد، عقلاً حرام می‌شود و اگر تولیدی نباشد اما قصد حرام باشد، تجری می‌شود و از باب تجری، حرام می‌گردد. اگر هم قصد نباشد وجهی برای حرمت نمی‌ماند.

# فرق مقدمه تولیدیه با مقدمه موصله

مقدمه تولیدیه باید موصله باشد و علت تامه برای ذی المقدمه است اما مقدمه موصله، اعم از تولیدیه است. موصله ما را به مقصد می‌رساند اما لازم نیست که حتما این کار را بکند. ممکن است تولیدیه باشد و ممکن هم است که با علل دیگر، به مقصد برساند. پس موصله، مقابل منقطعه است.

# نکات بحث

## نکته اول

حضرت امام مطلبی را در تقریراتشان فرموده‌اند که ناظر به کلام صاحب کفایه و مرحوم نائینی است.

صاحب کفایه و به تبع ایشان، مرحوم نائینی به این نکته اشاره می‌کنند که بعد از اتیان مقدمه، رابطه مقدمه و ذی المقدمه به سه قسم تقسیم می‌شود:

1: بعد از اتیان مقدمه، اختیاری وجود ندارد و تولیدیه است. مثلا اگر خودش را از برج پرت کند و متلاشی شود، این متلاشی شدن، اختیاری نیست. پس «لا یتوسط بین فعل المقدمه و وقوع ذی المقدمه اختیارٌ».

2: بعد از اتیان مقدمه، اختیار همچنان باقی است و جزء اخیر علت تامه می‌باشد.

مرحوم نائینی تقسیم دوم را به دو بخش تبدیل کرده‌اند:

الف: بعد از اتیان مقدمه، اختیار همچنان باقی است و قصد ذی المقدمه را هم کرده است.

ب: بعد از اتیان مقدمه، اختیار همچنان باقی است اما قصد ذی المقدمه را نداشته است.

فرق این دو قسم، با قسم اول این است که در قسم اول اختیار، جزء اخیر نیست اما در این دو قسم، اختیار و انتخاب و اراده، جزء اخیر است و با اختیار، فعل محقق می‌شود.

### اشکال مرحوم امام به مشهور و مرحوم نائینی

مرحوم امام در قسم دوم، اشکال فلسفی وارد می‌کنند و می‌فرمایند: این قسم دوم که صاحب کفایه و مشهور گفتند: اراده، آخرین جزء علت تامه است و با آن فعل تمام می‌شود، این‌گونه نیست. علتش همان‌طور که در فلسفه و کلام گفته شده، این است: فاعل و علت دو نوع است:

1: فاعل با آلات و ابزار؛ مانند فاعلهای طبیعی و از جمله انسان که به عنوان فاعل مختار در اعمال و افعال، متوسل به ابزار و ادوات هستند.

2: فاعل بدون آلت و ابزار؛ مانند مجردات که فاعل بدون ابزار هستند.

تجهیزات و ادواتی که انسان، به کار می‌گیرد دو قسم است:

الف: ابزار و آلات خارجی مثل ابزار خارجی که برای تایپ کردن به کار گرفته می‌شود.

ب: ابزار مرتبط به خود انسان مثل دست و پا و بقیه اعضا و جوارح.

غالباً انجام کار به هر دو قسم از ابزار است. انسان در علوم حصولی و افکار درونی خود فی الجمله، فاعل بدون آلت است اگرچه در فکر کردن، به‌گونه‌ای سلول‌ها به کار گرفته می‌شود ولی این ابزار آشکار نیست. نوعی از علوم حضوری نیز ممکن است بدون آلت حاصل شود. پس انسان در فعالیت‌های خود، علی القاعده و غالباً فاعل با آلت است.

### آخرین مرحله فعل اختیاری از دیدگاه مرحوم امام

اگر این نکته را دقت کنید متوجه می‌شوید کسی که فعل اختیاری انجام می‌دهد، نمی‌توان گفت: اختیار، آخرین مرحله است. بلکه آخرین مرحله، ادواتی است که با اختیار به کار گرفته می‌شود. مثلا اگر کسی مشروب را در لیوان و سپس در دهانش ریخت و هنوز نبلعیده است، در آخرین لحظه خوردن که اختیار باقی است صاحب کفایه می‌فرماید: این اختیار، آخرین جزء این عمل است ولی مرحوم امام می‌فرمایند: این شخص، فاعل با آلت است و با اختیار، عضلات حلق را که وسیله و ابزار هستند، باز می‌کند. بنابراین آخرین جزء، بازکردن عضلات است که اراده و اختیار آن را ایجاد کرده است نه اینکه اختیار، آخرین جزء باشد.

پس اگر فاعل با آلت را از فاعل بدون آلت جدا کنید، ما فاعل با آلات و ادوات هستیم ولو ابزار، عضلات حلق باشد. در اینجا نیز اختیار آخرین جزء نیست، بلکه به کارگیری آن ادوات، آخرین جزء است.

### تحقیق در مسئله

هر دو قول صحیح است. چونکه جزء آخر، به کارگیری آلت با اراده است و این دو جدا نیستند و تفکیک زمانی ندارند. اراده کردن و گشودن عضلات حلق، از لحاظ زمانی یکی هستند و جزء اخیر در اینجا، ابزاری است که با اراده یکی می‌شود.

فرمایش مرحوم امام از لحاظ منطقی صحیح است چونکه اول اراده است و سپس بازکردن (رتبه اراده، بر رتبه باز کردن عضلات حلق، مقدم است) اما از لحاظ زمان یکی هستند. ابهام در این دو نظریه، به خاطر این نکته ظریف است. لذا در جایی که مقدمه، تولیدی است، اراده دیگر نیست و ذی المقدمه انجام می‌شود. اما در قسم دوم که ارادی است، می‌شود گفت: اراده علت تامه است و هم می‌شود گفت: فعالیت آن ابزار، علت تامه است ولی از لحاظ زمانی، علت و معلول با هم هستند.